



کارشناس معارفی رسانه ملی  
مدیر حوزه علمیه فاسین الحسن (ع) تهران  
حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر علم‌الهدی

مروحوم سیدرضی با جمع آوری سخنان حکمت‌آموز، نامه‌ها و کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در نهج البلاغه، منش، رفتار و سیره و تعاملات فردی، عمومی، اجتماعی و سیاسی حضرت امیر<sup>(ع)</sup> را به بهترین شکل برای تاریخ بیان کرده‌اند؛ نوع جمع‌آوری سیدرضی در این کتاب شریف، درحقیقت ترجمان زندگی مولای متقیان<sup>(ع)</sup> و رفتار ایشان با دوست و دشمن است. همچنین، موضع‌گیری‌های قاطع و رسمی مولا در مصاف با انحراف، ویژه‌خواری دشمنان اسلام و منافقان داخلی و خارجی را نمایان می‌کند و به تاریخ نشان می‌دهد. لذا آن‌هایی که بخواهند الگوهای مختلف تربیتی را از امام علی<sup>(ع)</sup> در اختیار داشته باشند، باید بدانند که نهج البلاغه بهترین درس آموز رفتارهای سیاسی اجتماعی حضرت امیر<sup>(ع)</sup> است.

منطق زورگویان تاریخ، تغییر نمی‌کند باید توجه کرد اگرچه شکل و شمایل و ابزار کار در طول زمان تغییر می‌کند، منطق زورگویان تاریخ همیشه یکی است؛ یعنی اندیشه‌های فرعون در تاریخ، شناور و در جریان است و محدود و محصور در زمان نمانده است. لذا امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> در برخورد های مختلف سیاسی اجتماعی خود، چگونگی مدارا با دوست و مقابله با دشمن و اساسا چگونه دیدن دنیا را آموزش و به ما الگو داده‌اند.

دنیار چگونه ببینیم؟ نفس چگونه دیدن دنیا بسیار مهم است؛ برخی‌ها دنیا را انتهای مسیر سعادت‌مندی انسان می‌دانند. درحالی‌که اتفاقا در نگاه امام علی<sup>(ع)</sup>، دنیا ابتدای مسیر انسان است و وقتی زندگی او در این دنیا به پایان می‌رسد، تازه انسان با تلاش‌ها، سختی‌ها و کوشش‌های دنیایی خود، در آخرت مواجه می‌شود. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> حقیقت و گوهر دنیا را به بهترین شکل معرفی کرده‌اند؛ گاهی دنیا را از نگاه زاهدان معرفی می‌کنند و گاهی از نگاه سیاستمداران و قلدان، گاهی از منظر مؤمنان و متدینان دین‌باور و زمانی از پشت عینک دین‌شعاران نه دین‌مداران آن را نشان می‌دهند. این نگاه‌ها برای افراد و جامعه، پیامدهای فرهنگی اجتماعی دارد؛ برای همین بر توجه به نهج البلاغه و بهره‌گیری از آن در سبک زندگی فردی، اجتماعی و سیاسی، تأکید و سفارش بسیار شده است.

راه تنفس در هوای نهج البلاغه اجرایی شدن بیانات حضرت امیر<sup>(ع)</sup> بر اساس توصیه‌هایی که رهبر معظم انقلاب دارند، مروهون مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌هاست که در دو حوزه باید تعقیب شوند؛ یکی حوزه فردی و دوم در حوزه اجتماعی، در حوزه اجتماعی، نگاه مردم به مسئولان، دولتمردان و کارگزاران نظام است که باید راه و مرام امام علی<sup>(ع)</sup> را زنده و جاودان نگاه دارند. مردم باید منش و روش زندگی امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> را در رفتار مسئولان و حکمرانان ببینند، مثل اینکه دغدغه آن‌ها حل مشکلات زندگی مردم باشد. وقتی مردم این را به چشم ببینند، آرامش می‌یابند و اجرا شدن آموزه‌های نورانی نهج البلاغه را در جامعه درک می‌کنند؛ چنان‌که امام علی<sup>(ع)</sup> در عین تلاش برای رفاه و عدالت اقتصادی در جامعه و پیشرفت‌هایی که در این باره رقم زدند، به مسئولان توصیه می‌کنند از اشراف‌گیری و تشبه به مرفهان بی‌درد، پرهیز کنند و خود نیز در دوران خلافت و زمامداری جامعه اسلامی، نان جو و خشک می‌خوردند و لباس زبر و خشن می‌پوشیدند و کمترین بهره‌ها را از دنیا می‌بردند و وقتی از چرای این رفتارها می‌پرسیدند، حضرت می‌فرمودند: باید به گونه‌ای رفتار کنیم که فقیرترین افراد جامعه احساس آرامش بگویند و بگویند اگر زندگی بر من سخت است، خلیفه پیامبر<sup>(ص)</sup> هم در سختی است و نان جوین می‌خورد و از رفاه و آسایش بی‌بهره است!

علی<sup>(ع)</sup> را یاری کنید! در حوزه فردی نیز اگرچه زندگی کردن مثل امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> غیرممکن است و ایشان خود فرمودند: «شما نمی‌توانید مثل من زندگی کنید» اما ایشان تأکید می‌کنند: «من را با تقوا، ایجاد اقتدار برای حکمرانی، مدارا با دوستان و سختی با دشمنان، یاری کنید!». یعنی تلاش کنید دردهای مردم درد شما باشد. از فقرا و مستضعفان جامعه فاصله نگیرید، البته گاهی فقر و ناداری، نتیجه عمل خود انسان است؛ برای مثال فقیری که در اثر ولنگاری و تلاش نکردن به فقر مبتلا شده است که این فرد در نگاه امام علی<sup>(ع)</sup> مطرود است اما مستضعفان و افراد ناتوانی که فقر دست خودشان نیست، باید مورد حمایت حاکمیت و نیز مردم قرار بگیرند.

نهج البلاغه را عامه‌فهم کنیم زبان نهج البلاغه، زبان عربی و به تعبیر امروزی‌ها، شعبی یعنی محلی است؛ برای همین نیاز است مفسران متبحر، منظور و مراد حضرت امیر<sup>(ع)</sup> را از این بیانات به بهترین شکل درک و استخراج کنند. از این رو رسالت مهمی بر دوش نویسندگان بزرگان و فضلالی‌حوزوی است تا هر یک به شکلی فرمایش‌های امام علی<sup>(ع)</sup> را مراد یابی و به صورت مفهوم برای همه بیان کنند. رسانه‌ها، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیز می‌توانند در ابلاغ منظور و بیان امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> بسیار راهگشا و اثرگذار عمل کنند.

حکم موهای سر در غسل

در این ستون به پرسش و پاسخ‌های شرعی شما می‌پردازیم. برای دانستن پاسخ بسیاری از سال‌های شرعی خود می‌توانید به ما مراجعه کنید.

پرسش  
شغل من نقاشی ساختمان است. اگر موی سرم آغشته به رنگ شود، آیا برای غسل باید این رنگ از تک‌تک موهای سرم پاک شود؟

پاسخ اجمالی  
در غسل باید موهای کوتاهی را که جزو بدن حساب می‌شود، بشویند و شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آن‌ها تر نشود، غسل صحیح است ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آن‌ها را بشوید ممکن نباشد، باید آن‌ها را بشوید که آب به بدن برسد.

پاسخ تفصیلی  
مراجع تقلید معاصر می‌گویند: در غسل باید موهای کوتاهی را که جزو بدن حساب می‌شود، بشویند و شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آن‌ها تر نشود، غسل صحیح است ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آن‌ها را بشوید باید آن‌ها را بشوید که آب به بدن برسد. بلکه حضرت امام خمینی<sup>(ع)</sup> و آیات عظام اراکی و مکارم شیرازی فرموده‌اند بنا به احتیاط واجب، لازم است موهای بلند هم شسته شود<sup>(۱)</sup> که مقلدین آنان می‌توانند در این مسئله، به یکی از مراجع دیگر رجوع و به فتوای او عمل کنند. بنابراین شما باید رنگ موهای کوتاهی را که جزو بدن محسوب می‌شود، برطرف کنید، اما برطرف کردن رنگ موهای بلند، لازم نیست؛ چون با وجود آن می‌توان آب را به پوست سر رساند.

[۱]. توضیح المسائل (المحشی للإمام خمینی)، ج یک، ص ۲۲۲، مسئله ۳۷۹.



شنبه  
۱۴ فروردین ۱۳۹۷  
شماره ۴۴۷۷

۱۴  
SHAHROOZ NEWS IR



تحول را از بهار بیاموزیم



آمنه مستقیمی به تصریح قرآن، خدای متعال در همه امور این عالم، آموزه و درس و آفاق دید برای ما انسان‌ها قرار داده است تا با نگاه به آن‌ها، راه را گم نکنیم و مسیر سعادت را در پیش بگیریم؛ مثل بهار که با نو شدن و اصلاح و رشد و تعالی همراه است و به تعبیر آیات، یکی از اصول اصلی اعتقادی یعنی معاد را یادآوری می‌کند. در این باره با حجت‌الاسلام والمسلمین سید جواد بهشتی، خطیب مذهبی و کارشناس برنامه «سنت خدا»، گفت‌وگو کرده‌ایم.



اختصاص ویژه قرآن به طبیعت فراوان در قرآن کریم، به عنوان کتاب آسمانی ما مسلمانان، برای هدایت انسان از محسوسات استفاده شده است. برخی می‌گویند حدود ششصد آیه از قرآن به طبیعت و اجزا و عناصر آن اختصاص دارد؛ مثل آسمان، زمین، ماه، خورشید، باد، باران، صحرا، دریا و بسیاری از سوره‌ها به نام پدیده‌های طبیعی مثل عنکبوت و نمل است و همچنین بسیاری از عقاید مثل توحید و معاد به واسطه طبیعت که مقابل چشمان ما قرار دارد، اثبات می‌شود.

با یاد خدا حول حال شویم یکی از آموزه‌های بهار، خودسازی و فعالیت برای به نمایش گذاشتن خصلت‌های انسانی و کنار گذاشتن ردایل اخلاقی است. درختی که تا یک ماه قبل خشک بود، اکنون دیده‌ها را جذب می‌کند. انسان از درخت والا تر است؛ با یاد خدا و توکل به او می‌تواند وجود خود را بهاری کند؛ چنان‌که در حدیث است: «یک نفر در یک جمع وقتی به یاد خداست، همچون تک درختی است در کویر». لذا انسان با دیدن بهار می‌تواند به تکاپو بیفتد و ظرفیت‌های بهاری وجودش را جلوه‌گر کند.

اعتقاد به معاد باعث رشد می‌شود امام جواد<sup>(ع)</sup> می‌فرمایند: «وقتی فصل بهار را دیدید، بسیار از قیامت یاد کنید». وقتی بهار از راه می‌رسد و طراوت زمین و عالم را می‌بینیم، هم به خود یادآوری کنیم و هم با بچه‌ها مسئله قیامت را مطرح کنیم. این اعتقاد به قیامت اگر تثبیت و تقویت شود، مسلمانان، فعال و از گناه دور می‌شوند و به این فکر می‌کنند که چه توشه‌ای بگیرند. در واقع اعتقاد به قیامت باعث پاکی، رشد و فعالیت و تعالی انسان می‌شود؛ جهانی بزرگ‌تر و حقیقی‌تر از این جهان که قرآن از آن به «دارالْحیوان» یعنی محل زندگی واقعی تعبیر می‌کند.

قانون زنده شدن مردگان، مثل قانون بهار خداوند در آیه ۵ از سوره مبارک حج می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ... ای مردم! اگر در رستخیز شکی دارید (به این نکته توجه کنید که!) ما شما را از خاک آفریدیم...». این بهار، نمایشگاه خداست و بارها و بارها در قرآن کریم، قیامت به فصل بهار تشبیه شده است و به تحول طبیعت در بهار اشاره می‌کند و سپس می‌فرماید: «كَذَلِكَ نُشَوِّرُ» یعنی بیرون آمدن مردگان از قبور هم مثل زنده شدن زمین بعد از زمستان سرد و تاریک است.

ما هم مثل طبیعت، نو شویم یکی از امور مورد تأکید اسلام، این است که انسان زود فرصت‌ها را از دست می‌دهد. پس خوب است خودارزیایی داشته باشد. تحویل و نوشدن سال، فرصتی است برای سنجش خود و اینکه ببینیم عمرمان را چطور پشت سر گذاشته‌ایم. قوت‌ها و ضعف‌های ما چه بود و از خدا بخواهیم بالاتر برویم. تحویل سال و نو شدن باید ما را به این فکر وادارد در هر جایی که هستیم از نظر خلقی، عملکرد و رفتار و فکری رشد کنیم.

آموزه‌های خودسازی در بهار شهید مطهری مقاله‌ای دارد با موضوع «درس‌هایی که از فصل بهار می‌توان آموخت»؛ یکی همین درس تحول است. انسان نباید از خاک کمتر باشد. وقتی این خاک گل می‌شود، من چطور همان آدم قبلی باشم؟ بهار به ما درس تحول و خودسازی می‌دهد. ذرات خاک ارزش‌های افزوده خود را به نمایش می‌گذارند. انسان هزاران برابر برتر از خاک است. مبادا روز قیامت، ما شرمنده قیامت شویم. در پایان سوره نبأ می‌خوانیم: «بسیاری از انسان‌ها در روز قیامت می‌گویند: ای کاش خاک بودیم!».

باید پاسخگوی اعمالمان باشیم حشر در قیامت هم این‌گونه است. این زمین مرده و درختان که خشک بودند، ناگهان سبز و زنده می‌شوند. هر درختی که ذراتش در دل زمین پخش بود، به شکل شکوفه و میوه درمی‌آید. ما انسان‌ها هم که از دنیا می‌رویم و به ذرات تبدیل می‌شویم، هنگام قیامت به اذن خدا از خاک برمی‌آییم و باید در قیامت، پاسخگوی اعمال خود باشیم؛ خوبان به بهشت می‌روند و بدها راهی جهنم می‌شوند.

به احسن الحال برسیم امام سجاد<sup>(ع)</sup> داعایی دارند به نام «مکارم الاخلاق» که این‌گونه شروع می‌شود: «خدا، ایمانم را افزایش بده و عملم را اصلاح کن!». وقتی از خدا چنین خواسته‌ای داریم، باید خودمان هم زمینه‌اش را فراهم کنیم و تلاش و تکاپو داشته باشیم و موانع تقویت ایمان را رفع کنیم. خلق و خویمان را اصلاح کنیم، به ضعف‌ها و عیب‌هایمان توجه کنیم و ببینیم سال قبل را چطور گذرانیدیم و بعد برای رسیدن به احسن الحال در کنار توکل به خدا، تلاش کنیم: «از ما حرکت و از خدا برکت».

روشنا

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:  
أَخْسِنُ مَجَازَةً مِّنْ جَاوَزَتْ تَكُنْ مُسْلِمًا. (بحارالانوار، ۱۵۸/۷۴).

امام صادق<sup>(ع)</sup> فرمودند:  
با همسایه‌ات خوش رفتاری کن تا مسلمان راستین باشی.

اشارت

خود را با بردباری ببوشان و با خردت، به جنگ با هوا هووست برخیز!.

امام علی<sup>(ع)</sup> در جایی دیگر فرموده‌اند: «اگر بردبار نیستی، و انمود کن که بردباری؛ زیرا کمتر کسی است که خود را شبیه گروهی کند و به زودی یکی از آنان نشود».

نهج البلاغه، الحکمه ۲۴۷ (غزیرالحکم، ۹۳۲۲)

امام علی<sup>(ع)</sup> به زمینه‌های بردباری و حلم هم اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: «باز یاد شدن عقل، بردباری زیاد می‌شود». (غزیرالحکم، ۴۲۷۴) و «آدمی بردبار نباشد، مگر آن‌گاه که باوقار باشد».

پيامبر خدا<sup>(ص)</sup> نیز درباره آثار بردباری می‌فرماید: «از بردباری است، آراسته شدن به خوبی‌ها، هم‌نشینی با نیکان، ارجمند شدن، عزیز شدن، رغبت به نیکی، نزدیکی شدن بردبار به درجات

عالی، گذشت، آرامش و ثباتی، احسان و خاموشی و این است آنچه برای خردمند با بردباری‌اش حاصل شود».

امام علی<sup>(ع)</sup> نیز در این باره فرموده‌اند: «نخستین عوضی که بردبار از این خصلت خود می‌گیرد، این است که مردم در برابر نادان به یاری او برمی‌خیزند».

(جامع‌الآخبار، ۸۹۶/۳۱۹)

پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> درباره معنا و چیستی بردباری می‌فرماید: «بردبار نیست آن که با کسی که چاره‌ای از معاشرت با او ندارد، به نیکی معاشرت نکند. تا اینکه خداوند برای او راه گزیری از معاشرت با وی فراهم آورد».

(کنز العمال، ۵۸۱۵)

و از امام علی<sup>(ع)</sup> است که فرمودند: «بردبار نیست کسی که چون ناتوان شود، هجوم برد و چون قدرت یابد، انتقام کند. بلکه بردبار کسی است که قدرت [انتقام] داشته باشد، اما گذشت کند و بردباری بر تمامی امور او غالب باشد».

(غزیرالحکم، ۷۵۲۹)

چراغ خدا برای روشنی زندگی

طیبه اشرفی<sup>(۱)</sup> یکی از صفاتی که در آموزه‌های دینی و روایی به شدت بر آن تأکید شده است و دارای آثار بسیار مثبت برای زندگی فردی و اجتماعی ماست. حلم یا همان بردباری است؛ صفتی که ابواب حکمت را به روی انسان باز می‌کند.

پیامبر خدا<sup>(ص)</sup> می‌فرمایند: «من کانون بردباری و معدن دانش و خانه شکیبایی، برانگیخته شدم».

امام علی<sup>(ع)</sup> نیز می‌فرمایند: «بردباری، خصلتی ممتاز است».

(بحارالانوار، ۶۷/۴۲۳/۶۷)

(بحارالانوار، ۷۸/۳۹/۱۳)

و نیز از امیرالمؤمنین علی<sup>(ع)</sup> است که فرمودند: «بردباری، پرده‌ای پوشنده است و خرد، شمشیری بُرنده، پس عیب‌های اخلاقی